

ترجمه واژگانی به مثابه بومی سازی هججه های زبانی جهانی شدن؛ (مطالعه موردی): واژه گزینی دفترهای اول، دوم و سوم فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

مسلم خسروی زارگز؛ عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند
moslem.khosravy@birjand.ac.ir
دکتر سمیه حمیدی؛ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند
Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

چکیده

امروزه جهانی شدن فرهنگ غرب که نماینده تمام عیار اندیشه مدرنیسم بحساب می آید؛ فرهنگ های غیر غربی را در سطوح مختلف تحت تاثیر قرار داده است، به گونه ای که می توان گفت کمتر عرصه ای از این فرهنگ ها وجود دارد که مورد هججه آن فرهنگ نباشد. یکی از این حوزه ها ساخت زبانی فرهنگ های غیر غربی است که هججه لغات غربی و بویژه انگلیسی، زبان ملی آنها را مورد تهدید قرار داده است. در مقابل فرهنگ های غیر غربی تلاش هایی را برای حفظ زبان خود انجام داده اند. از جمله در ایران فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تشکیل گروه واژه گزینی سعی کرده با واژه گزینی، واژه سازی و معادل یابی برای واژه های بیگانه به تقویت و گسترش زبان فارسی و تجهیز آن برای برآوردن نیازهای روزافزون فرهنگی، علمی و فنی کمک نماید. در واقع ترجمه واژگانی و یافتن معادل بومی واژگان غربی در زبان فارسی راهکاری جهت ممانعت از هججه های زبانی جهانی شدن است.

نویسنده این متن معتقد است بیشتر واژه گزینی های فرهنگستان در حوزه علوم تجربی و غیر انسانی صورت گرفته است، گرچه این تلاشها قابل تقدیر است ولی به نظر می رسد بحران امروزی زبان فارسی ورود لغات بیگانه در حوزه علوم انسانی باشد، این نوشتار تلاش می کند با بررسی عملکرد واژه گزینی فرهنگستان بویژه دفترهای اول، دوم و سوم فرهنگستان با استفاده از روش تحلیل محتوا به آسیب شناسی واژه گزینی بپردازد.

واژگان کلیدی جهانی شدن، واژه گزینی، تحلیل محتوا، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مقدمه

استفاده از واژگان زبان های دیگر امری اجتناب ناپذیر است. «زبان فارسی نیز از این امر مستثنی نبوده و برای پرکردن خلاءهای معنایی، واژگانی از زبانهای دیگر قرض می گیرد(افراشی، ۱۳۸۶: ۸۸)، اگر ورود لغات خارجی کند و تدریجی رخ می داد. شاید چندان خطری احساس نمی کردیم، دست کم فرصت داشتیم آنها را هضم کنیم ولی حال که شمار لغات رو به فزونی است باید ورودشان را مهار کنیم(حداد عادل، ۱۳۸۰: ۲). استفاده از واژه های بیگانه شفافیت واژگانی زبان قرض گیرنده را کاسته و موجب تیرگی آن می شود و علاوه بر این، حضور این گونه واژه ها در زبان فارسی بر ساختمان این زبان اثر ویرانگری گذاشته است، از سوی دیگر باید توجه داشت برای بیان مفاهیم جدید باید از امکانات واژه سازی خود زبان فارسی بهره برد و نه اینکه واژه های بیگانه را به کار ببریم(حق شناس، ۲۵-۳۲: ۱۳۷۰).

سابقه تشکیل سازمانی برای لغت سازی و جلوگیری از بی نظمی در املائی کلمات به عصر ناصرالدین شاه قاجار باز می گردد، اما در اواخر دوره قاجاریه و عهد مشروطه این رویه به یکی از دغدغه های جدی بخش عمده ای از

منورالفکرهای باستان گرا تبدیل شد و میراث آن به عهد پهلوی اول رسید. در واقع شکل‌گیری فرهنگستان‌های زبان، محصول رشد و تکامل اندیشه‌های ملی‌گرایانه و شکل‌گیری دولت مدرن..... و حاکم شدن مقوله زبان ملی است (طرفداری، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۹). رضاشاه پس از بازگشت از سفر ترکیه و تاثیر پذیری از اقدامات ترکها در زمینه تصفیه زبان و همچنین جنبش داخلی در جهت تسویه زبان فارسی در سال ۱۳۱۴ فرهنگستان ایران را تاسیس نمود و اساسنامه آن در ۱۶ ماده تصویب شد (صفایی، ۲۵۳۵: ۶۶). عوامل متعددی در شکل‌گیری نخستین فرهنگستان نقش داشتند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱- سردرگمی ناشی از فعالیت‌های زبانی و واژه‌نویسی سره‌نویسان که بیشتر هم در ادارت و نشریات شایع بود ۲- گرایش حکومت وقت به فارسی‌نویسی و رواج فرهنگ و زبان ایران باستان، ۳- نیاز جامعه به وضع اصطلاحات علمی و فنی جدید (فرشید ورد، ۱۳۸۰: ۳۳۵-۳۳۶). فرهنگستان در سال ۱۳۳۳ با تصویب ۲۰۰۰ واژه در حالی تعطیل شد که انتقادات جدی به آن وارد بود از جمله آریان‌پور معتقد است «فرهنگستان اول گرچه توانست زمام کار را از دست دیگران درآورد. این خدمت را که عبارت از منع رواج هزاران لغت مجعول و بی‌اساس بود انجام دهد ولی خود از منظوری که داشت به دور افتاد..... اشتباه عمده فرهنگستان در این بود که قبل از برقرار کردن اصول و قواعد زبان و دادن دستور کلی به انتخاب کلمات دست زد (آرین‌پور، ج ۳، ۱۳۷۴: ۲۱-۲۰)».

دومین تلاش برای ساماندهی واژه‌گزینی توسط دولت پهلوی با تاسیس فرهنگستان زبان ایران در سال ۱۳۴۷ و توسط استاد محمد مقدم صورت گرفت. این فرهنگستان دارای چهار پژوهشکده واژه‌گزینی، گردآوری واژه‌های فارسی، زبان‌های باستانی میانه و دستور بود. فرهنگستان دوم گرچه نسبت به فرهنگستان اول اصولی‌تر و بنیادی‌تر با مسائل زبانی برخورد کرد، اما مسئله واژه‌سازی باز هم مهمترین مسئله تلقی می‌شد؛ تنها با این تفاوت که فرهنگستان دوم بیشتر به ساختن اصطلاحات علمی و تخصصی گرایش داشت تا واژه‌سازی عمومی، از میان ۵۵۰۰۰ معادل و اصطلاح تخصصی عرضه شده توسط فرهنگستان زبان تنها ۲۰۰ مورد به تصویب رسید (مدرسی ۱۳۷۱: ۱۸۷). این فرهنگستان با تمام فراز و فرودهایش در سال ۱۳۵۷ تعطیل شد.

فرهنگستان سوم یا همان فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۶۸ توسط شورای انقلاب فرهنگی تاسیس شد. بازگشایی مجدد دانشگاه‌های کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آغاز به تحصیل دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، فعالیت استادان پرشمار در دانشگاه‌های کشور، توسعه صنایع گوناگون در کشور، علاقمندی شدید به کاربرد واژگان فارسی در مقابل واژگان بیگانه زمینه را برای بازگشایی فرهنگستان سوم فراهم کرد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۷). ماده اول اساسنامه فرهنگستان اهداف این تشکیلات را اینگونه بیان می‌کند: ۱- حفظ قوت و اصالت زبان فارسی ۲- رواج و گسترش حوزه قلمرو زبان فارسی در داخل و خارج کشور ۳- ایجاد نشاط و بالندگی در زبان فارسی به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن. فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۷۰ گروه واژه‌گزینی را تاسیس نمود. هدف از تشکیل این گروه کمک به تقویت و گسترش زبان فارسی و تجهیز آن برای برآوردن نیازهای روز افزون فرهنگ عمومی و فنی و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های واژه‌گزینی، واژه‌سازی و معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه عنوان شده است، ماده دوم اساسنامه سیاست‌گذاری درباره واژگان خارجی را شامل موارد زیر می‌داند: ۱- تاسیس واحدهای واژه‌سازی و واژه‌گزینی ۲- نظارت بر واژه‌سازی و معادل‌یابی در ترجمه از زبان‌های دیگر ۳- تعیین معیارهای لازم در جهت حفظ و تقویت بنیاد زبان فارسی در برخورد با مفاهیم و اصطلاحات جدید.

اهم فعالیت‌های فرهنگستان سوم در حوزه واژه‌گزینی و معادل‌یابی به شرح زیر است:

- ۱- دفتر اول سال ۱۳۸۳: حدوداً ۲۲۰۰ واژه
- ۲- دفتر دوم سال ۱۳۸۴: حدوداً ۲۹۸۰ واژه
- ۳- دفتر سوم سال ۱۳۸۵: حدوداً ۱۶۰۰ واژه

۴- دفتر چهارم سال ۱۳۸۶: حدوداً ۳۲۰۰ واژه

۵- دفتر پنجم سال ۱۳۸۷: ۴۸۲۲ واژه

فرهنگستان در طول ۲۴ سال فعالیت واژه‌گزینی و معادل‌یابی ۱۴۸۰۲ واژه جدید ایجاد نموده است (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۸).

بنابراین سوال پژوهش حاضر بدین گونه مطرح می‌شود که به چه میزان واژه‌گزینی و معادل‌یابی فرهنگستان زبان فارسی با توجه به هجده های زبانی ناشی از جهانی شدن پاسخگوی نیازهای زبانی و هویتی کشور است؟ براین اساس به عنوان فرضیه می‌توان گفت که: به نظر می‌رسد تلاش‌های فرهنگستان زبان فارسی بیشتر در حوزه واژه‌گزینی و معادل‌یابی غیر علوم انسانی (فنی، پزشکی و ...) است و بنابراین نمی‌تواند نیازهای زبانی و هویتی کشور را پاسخگو باشد. نوشتار حاضر تلاش می‌کند با مطالعه موردی واژگان و معادل‌های دفترهای اول، دوم و سوم فرهنگستان به این مهم دست یابد.

پیشینه تحقیق

در باب موضوع مورد بررسی تنها می‌توان به برخی آثار نظیر مقاله "معادل‌گزین، ترجمه و آشفتگی زبان فارسی" در کتاب ماه کتابداری و اطلاع‌رسانی سال ۱۳۸۸ نوشته حمیدرضا جمالی مهموئی و نیز کتاب اصول و ضوابط واژه‌گزینی منتشر شده از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد. نکته حائز اهمیت در این گونه آثار این است که این آثار یا به تشریح فرایند واژه‌گزینی و ریشه‌های لغوی آن پرداخته‌اند و یا معادل‌های واژگانی را در زبان فارسی توضیح داده‌اند. اما تاکنون پژوهشی آن هم به صوت کمی و بر مبنای تحلیل محتوا به صورت مقایسه میان نوع و میزان واژه‌گزینی آن هم بر مبنای حوزه‌های مختلف علوم انسانی صورت نگرفته است. در واقع بیشتر آثار تاکنون نگاهی توصیفی به نحوه واژه‌گزینی فرهنگستان داشته‌اند و تاکنون از زاویه انتقادی ضرورت واژگان انتخابی و حوزه مورد بررسی آنها تحلیل نشده است.

چارچوب مفهومی

سال‌های پایانی سده بیستم و ماه‌های آغازین هزاره سوم میلادی با بحث‌های داغ و مناقشه‌برانگیز درباره جهانی شدن همراه بوده است (گل محمدی ۱۳۸۶: ۱۷). در این میان تلاش‌های نظریه‌پردازان و دانشمندان علوم اجتماعی برای ارائه تعریفی جامع و مانع از فرآیند جهانی شدن - همچون بسیاری از پدیده‌های اجتماعی موجود در علوم انسانی - هنوز به نتیجه قابل قبولی نرسیده است. بنابراین گاهی تعاریف متفاوت و حتی متضادی از این پدیده ارائه می‌شود. این ابهام، اختلاف و تناقض موجود در تعریف جهانی شدن از عوامل گوناگونی همچون چند وجهی بودن، فراگیر بودن و نوپا بودن نظریه پردازان و مطالعات معطوف به جهانی شدن سرچشمه می‌گیرد. «در اغلب تعاریف عرضه شده، جهانی شدن چونان فرآیندی تدریجی و پایدار توصیف می‌شود که از گذشته‌ای دور یا نزدیک آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد» (Archibugi, 1998: 1). «تاکید بر افزایش بی سابقه ارتباطات و برخوردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ویژگی دیگر اکثر تعاریف‌های جهانی شدن است» (McGrew, 1992: 23). «افزون بر اینها در اغلب تعاریف‌ها، جهانی شدن را نوعی فرآیند همگونی و همسانی فزاینده به شمار می‌آورند» (Calrk, 1997: 23). بر اساس تعاریف و دیدگاه‌های ارائه شده می‌توان گفت «جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشردگی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند» (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۰). به عبارت دیگر جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی فضا و زمان، کوچک شدن پدیدارشناسانه جهان و شکل‌گیری جامعه‌ای جهانی. از این رو جهانی شدن مترادف است با تضعیف، فرسایش و فروریزی هرگونه حد و مرزی که از پیوند فرد و جامعه در قلمرو جهانی جلوگیری یا آن را محدود و دشوار می‌کند.

کند. با توجه به این بحث، جهانی شدن فرهنگی را نیز می‌توان دربرگیرنده فرایندها و عواملی دانست که هرگونه محدودیت و بستار فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل می‌کند یا از میان برمی‌دارد. به بیان دیگر جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونگی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد. فرایند جهانی شدن در عین حال که اقتصادی جهانی و جامعه‌ای فراملی پدید می‌آورد، فرهنگی جهانی را نیز شکل می‌دهد. برجسته‌ترین وجه جهانی شدن فرهنگی را می‌توان جهانگیر شدن ویژگی‌های محوری تجدد دانست (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۹۷-۹۹). به عبارت دیگر گسترش تجدد به جوامع غیر غربی در طول چندین دهه تداوم داشت ولی در سده بیستم و یوئزه دهه‌های اخیر، شتاب بیشتری گرفت. از این رو فرایند جهانی شدن را می‌توان فرایند جهانی شدن تجدد یا به عبارتی، جهانی شدن فرهنگ و تمدن غربی دانست (Clark, 1997: 23).

از جمله ویژگی‌های بارز جهانی شدن فرهنگی را می‌توان در گسترش و جهانگیر شدن زبان‌های اروپایی به ویژه انگلیسی، و به تبع آن اشاعه ارزش‌ها و سبک زندگی غربی در جهان دانست (Tomlison, 1999: 23). فرآیند جهانی شدن مدرنیته زبان به عنوان مهمترین ابزار عمل می‌کند. در واقع جهانی شدن به مثابه فراگیرشدن نوعی گفتمان غالب که دربرگیرنده جنبه‌هایی گوناگون از همبستگی‌ها و همگنی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک است ارتباطی مستقیم و البته متقابل با زبان دارد.

در خصوص جهانی شدن فرهنگ برداشت‌های متفاوتی میان اندیشمندان وجود دارد. یک برداشت رایج از جهانی شدن فرهنگ همان امپریالیسم فرهنگی است. از این دیدگاه جهانی شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون سازی فرهنگی جهان. لذا در این قرائت بهتر است از حتی غربی کردن جهان سخن گفت. از نگاه این نظریه پردازان جهانی شدن نه یک فرایند تابع نیروهای ساختاری و غیرارادی، بلکه نوعی تحمیل فرهنگ غرب بر جهان غیر غرب است. بر همین اساس برخی جهانی شدن را نوعی امپریالیسم زبانی می‌دانند. روبرت فیلیپسون، اندرسون، پنی کوک و هالیدی را از نظریه پردازان معتقد به این مساله می‌توان دانست. از این رو امپریالیسم زبان انگلیسی در دنیایی که جهانی شدن را تجربه می‌کند، عمدتاً محصول سیاست زبانی هدفمند و هوشیارانه کشورهای موسوم به مرکز با هدف گسترش نفوذ و استیلای خود بر جوامع حاشیه یا همان غیرانگلیسی زبان‌ها است که در راستای تامین منافع و خواسته‌های ایدئولوژیک گفتمان غالب غرب است که در نهایت به تضعیف زبان‌های ملی و محلی کشورهای حاشیه می‌انجامد. لذا به باور این نظریه پردازان امپریالیسم زبانی به مثابه نمونه‌ای شاخص از امپریالیسم فرهنگی است (آقاگل زاده و داوری، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۱۸۵).

اما در مقابل این دیدگاه نگاه منعطف تری نیز به ورود زبان انگلیسی به کشورهای غیر انگلیسی زبان و به ویژه جهان سوم وجود دارد که از آن تحت عنوان رویکرد لیبرالی نام برده اند. از نگاه این نظریه پردازان گسترش زبان انگلیسی به هیچ وجه با یک سیاست و برنامه ریزی و تلاش هوشمندانه برای نابودی هویت‌های خرد و هویت ملی کشورها اتفاق نمی‌افتد بلکه در بستری کاملاً طبیعی و فارغ از هرگونه برنامه ریزی هدفمند رخ داده است. از نگاه افرادی نظیر دیویس (۱۹۹۶) و کریستال (۱۹۹۷) به عنوان سرآمدان این تفکر، گسترش زبان انگلیسی حیات دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها را تهدید نمی‌نماید و نه تنها به تبعیض و نابرابری دامن نمی‌زند که گسترش آن به برابری جوامع حاشیه یا مرکز می‌انجامد (همان، ۱۸۶-۱۸۷).

واژه‌گزینی در فرهنگستان

گروه واژه‌گزینی فعالیت خود را از سال ۱۳۷۴ آغاز کرد. معادل‌گزینی برای واژه‌های بیگانه رایج در میان مردم اولین دستور کار این گروه بود. این واژه‌ها که از میان ۱۲۰ روزنامه و مجله عمومی فارسی زبان داخل کشور استخراج شده بود، در شورای واژه‌گزینی و سپس ورای فرهنگستان به تصویب رسید. از سال ۱۳۷۵ گروه برای راه

اندازی گروههای واژه گزینی تخصصی از طریق همکاری با فرهنگستان علوم و سپس فرهنگستان علوم پزشکی و در سال های اخیر فرهنگستان هنر و مراکز تحقیقاتی و علمی فعالیت هایی را آغاز نمود. اولویت های مورد نظر فرهنگستان مطابق دفتر گروه واژه گزینی به قرار زیر است:

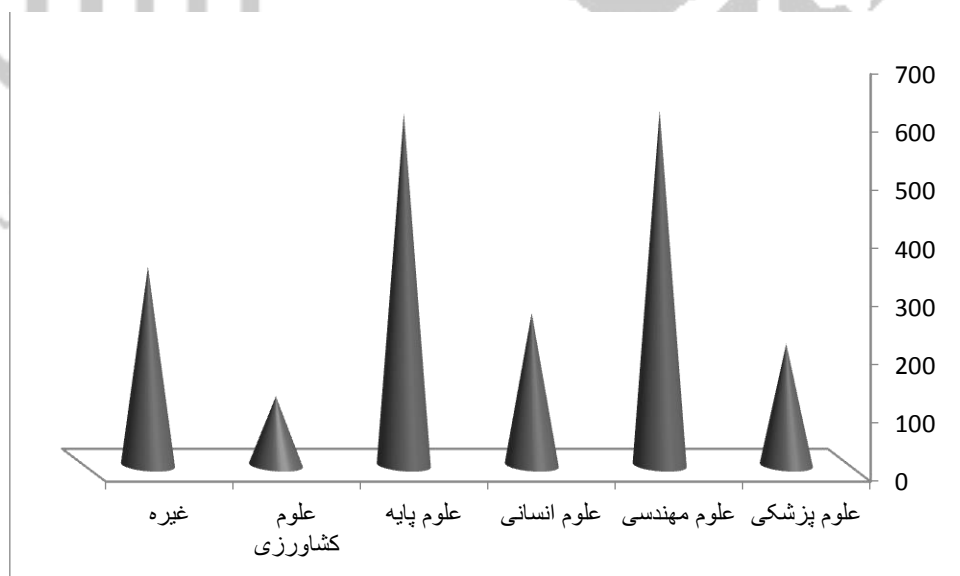
۱. بررسی واژه های مشترک علوم و فنون؛
۲. بررسی واژه هایی که احتمال عمومی شدن آنها وجود دارد؛
۳. بررسی واژه های تخصصی پایه (دوره کارشناسی)؛
۴. بررسی واژه های تخصصی دوره های کارشناسی ارشد و دکتری؛ (فرهنگ واژه های مصوب، ۶).

روش تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایش آماری و همچنین مطالعه اسنادی استفاده شده است. بررسی واژه گزینی در دفتر های اول، دوم و سوم فرهنگستان زبان و ادب فارسی نوشتار حاضر قصد دارد با بررسی آماری واژگان و معادل های دفترهای اول، دوم و سوم فرهنگستان زبان و ادب فارسی به موضوع تحقیق بپردازد.

بررسی واژه گزینی در دفتر اول فرهنگستان زبان و ادب فارسی

در مقدمه دفتر اول فرهنگستان آمده است که « کتاب حاضر مجموعه ای از تمام جزوه های مصوب است که برای نخستین بار در یک مجموعه گرد آمده است. این مجموعه دارای یک بخش اصلی و دو فهرست است. در بخش اصلی که بر اساس الفبای فارسی تنظیم شده ، واژه بیگانه و معادل مصوب و تعریف و حوزه کاربرد واژه آمده است. دو فهرست انتهای کتاب شامل فهرست واژه ها و فهرست موضوعی واژه ها بر اساس الفبای لاتینی است (گروه واژه گزینی، ۱۳۸۵: ۱۳)

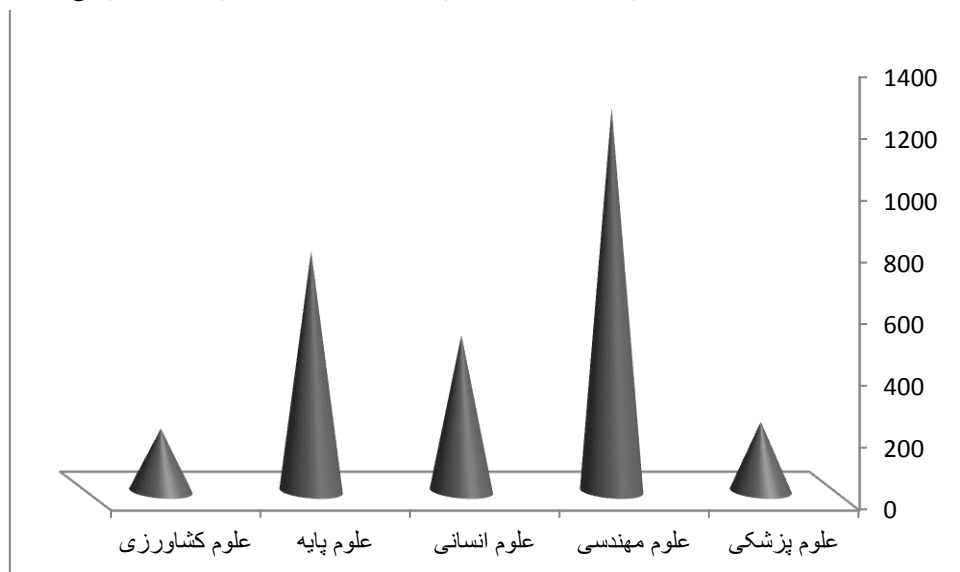


در دفتر اول بیشترین توجه نسبت به علوم مهندسی و سپس علوم پایه است. بنابراین مطابق تجزیه و تحلیل صورت گرفته از شمارش، واژگان علوم انسانی در جایگاه سوم قرار گرفته است.

بررسی واژه گزینی در دفتر دوم فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دفتر دوم «مجموعه ای از جزوه های مصوبی است که از سال ۷۹ تا پایان ۸۳ در شورای واژه گزینی به تصویب

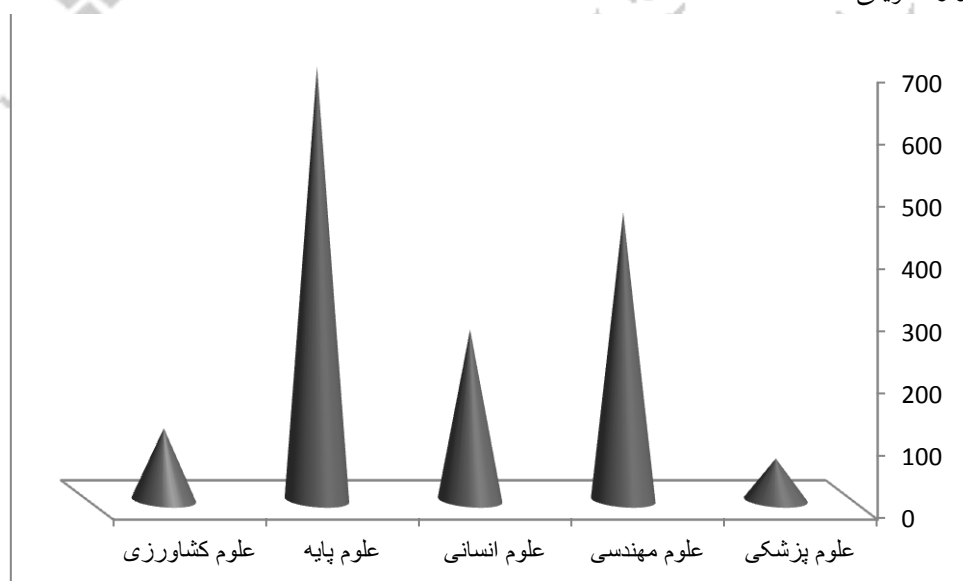
رسیده اس. این مجموعه دارای یک بخش اصلی و دو فهرست است. در بخش اصلی که بر اساس الفبای فارسی تنظیم شده واژه بیگانه و معادل مصوب و تعریف و حوزه کاربرد واژه آمده است» (گروه واژه گزینی، ۱۳۸۴: ۲۰)



بررسی دفتر دوم فرهنگستان نشان دهنده آن است که تمرکز واژه گزینی بیشتر در حوزه علوم مهندسی و علوم پایه بوده و علوم انسانی در رتبه سوم قرار دارد.

بررسی واژه گزینی در دفتر سوم فرهنگستان زبان و ادب فارسی

این دفتر «سومین مجموعه از جزوه هایی است که تعداد اندکی از آنها در سال ۸۳ و مابقی تا پایان سال ۸۴ در شورای واژه گزینی به تصوب رسیده است. این مجموعه دارای یک بخش اصلی و دو فهرست است. در بخش اصلی که بر اساس الفبای فارسی تنظیم شده واژه بیگانه و معادل مصوب و تعریف و حوزه کاربرد واژه آمده است» (گروه واژه گزینی، ۱۳۸۵: ۱۸)



در دفتر سوم شاهد تغییری در اولویت های فرهنگستان هستیم به گونه ای که علوم پایه در اولویت بیشتری نسبت به علوم مهندسی قرار دارد. در این دفتر علوم انسانی همچنان جایگاه سوم را داراست.

نتایج و بحث:

نتایج تجزیه و تحلیل سه دفتر نشان از آن دارد که اولویت های فرهنگستان به ترتیب در حوزه علوم مهندسی، علوم پایه و سپس علوم انسانی بوده است. چنانچه علوم کشاورزی و علوم پزشکی را هم در زمره علوم فنی قرار دهیم؛ در این صورت می توان سهم علوم انسانی را در سیاست های واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ناچیز انگاشت. همانگونه که در چارچوب نظری نیز گفته شد روش تحقیق در علوم غیر انسانی (مهندسی، پایه، کشاورزی و پزشکی) تجربی و بر مبنای مشاهده و تکرار است؛ بنابراین در این علوم بیشتر عینیات مطرح بوده و در صورت ورود واژگانی از زبانهای دیگر از جمله انگلیسی با توجه به مشاهده پذیری این واژگان چندان بحران جدی بر سر معنا و تفسیر آن ایجاد نمی شود؛ اما در علوم انسانی مفاهیم انتزاعی، نسبی و سیال هستند و با توجه به گفتمان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه ای قابل تفسیر هستند. روش پژوهش در آن نیز مولف محور است. باید گفت که علوم انسانی از آنجا که با هویت جوامع سروکار دارند بیشتر محل مناقشه و تفسیر هستند، و بالتبع به واژه گزینی و معادل یابی در این علوم نیاز شدیدی احساس می شود، این در حالیست که بررسی آماری واژگان دفترهای اول، دوم و سوم فرهنگستان خلاف این مسئله را نشان می دهد و گویای این مسئله است که خیلی به این بحران توجه جدی نشده است.

نتیجه گیری:

جهانی شدن به خصوص در حوزه فرهنگی و مساله ورود مدرنیته به کشورهای در حال توسعه از آسیب های جدی است که زبان و فرهنگ این کشورها را مورد تهدید قرار می دهد. ایران به عنوان کشوری با غنای فرهنگی و تمدنی تلاش نموده است به حفظ فرهنگ و هویت بومی خود در مقابل هجمه فرهنگ غرب پردازد. تاسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی را می توان گامی در این راستا ارزیابی نمود. از جمله تلاش های فرهنگستان برای مواجهه با امواج جهانی شدن و زوال زبانی در کشور توجه به واژه گزینی و معادل یابی در این حوزه بوده است. در این راستا سه دفتر فرهنگستان مورد بررسی قرار گرفت. اما به نظر می رسد بیشترین توجه فرهنگستان واژه گزینی در حوزه علوم مهندسی و علوم پایه بوده است و حوزه علوم انسانی مورد توجه جدی نبوده است. پر واضح است که باید اهتمام جدی نسبت به این حوزه صورت گیرد.

منابع و مآخذ:

- ۱- آراین پور، یحیی (۱۳۷۴) از نیما تا روزگار ما (جلد ۳)، تهران: نشر زوار.
- ۲- آقاگل زاده، فردوس و داوری، حسین (۱۳۹۳) جهانی شدن و گسترش زبان انگلیسی: ضرورت ها و الزامات بهره گیری از رویکرد انتقادی در مواجهه با زبان انگلیسی در ایران، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره بیست و پنجم. بهار، صفحات ۱۷۹-۲۰۳.
- ۳- افراسی، آریتا (۱۳۸۶)، ساخت زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت
- ۴- جمالی مهموئی، حمیدرضا (۱۳۸۸) گزین، ترجمه و آشتگی زبان فارسی، ماهنامه کتابداری و اطلاع رسانی
- ۵- حبیبی، حسن (۱۳۸۴) بحثی در سیاست علمی کشور و جایگاه فرهنگستان ها بویژه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نامه فرهنگستان، دوره ۷، شماره ۳، صص ۲-۲۶
- ۶- حبیبی، حسن (۱۳۸۷)، نامه فرهنگستان، دوره ۱۰، شماره ۱۰، صص ۲-۲۸.
- ۷- حبیبی، حسن (۱۳۸۸)، اصول و ضوابط واژه گزینی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۸- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۰)، واژه گزینی از گذشته نزدیک تا آینده دور، نامه فرهنگستان، سال پنجم، شماره ۲.
- ۹- حق شناس، علی محمد (۱۳۷۰)، بلوای واژه سازی، مجموعه مقالات ادبی زبان شناختی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۱۰- صفایی، ابراهیم (۲۵۳۵) بنیادهای ملی شهریارای رضا شاه کبیر، تهران وزارت فرهنگ و هنر

- ۱۱- طرفداری، علی محمد(۱۳۸۹)، ملی گرایی، سره نویسی و شکل گیری ف هنگستان زبان فارسی در دوره پهلوی اول، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر اول ، صص ۵۸-۷۲.
- ۱۲- فرشید ورد، خسرو(۱۳۸۰)، لغت سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی، زبان شناسی برای زبان فارسی، ترجمه و نگارش سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
- ۱۳- گروه نویسندگان(۱۳۸۵) فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان(دفتر اول)، تهران: نشر آثار، چاپ سوم.
- ۱۴- گل محمدی، احمد(1386) جهانی شدن فرهنگ هویت، تهران: نشر نی.
- ۱۵- مدرسی تهرانی، یحیی(۱۳۷۱)، مسائل زبانی و برنامه ریزی زبان در ایران، مجله فرهنگ، شماره ۱۳
- ۱۶-.....(۱۳۸۴) فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان(دفتر دوم)، تهران: نشر آثار، چاپ اول.
- ۱۷-.....(۱۳۸۵) فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان(دفتر سوم)، تهران: نشر آثار، چاپ اول

18- Clark,i(1997)globalization & fragmentation.oxford university press

19- McGrew,A(1992)Conceptualizing Globl Politics.In A.Mcgrew(ed)Global Politics.Cmbridge.

20- Tomlinson,J(1999)Globalization and Culture.Cambridge,Polity.

